

پایش علی انان، محلیزیت و توسعه پایدار

باشگاه پژوهشگران جوان و نوجوانان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

۱۳۸۸/۲۰/۱۹ شماره ۱۳۸۸

بررسی الگوهای توانمندساز جامعه محلی در راه توسعه پایدار نسیم طوافزاده^۱

چکیده:

توسعه پایدار از آرزوهای بشر در قرن اخیر است. مردم در بلندمدت برای دستیابی به رفاهی پایدار نیاز به یافتن راه‌های جدید برای تامین خواسته‌های خود و تطبیق الگوهای تولید و مصرف دارند که سیستم‌های حمایتی و زندگی زمینی را حفظ کنند و منابع مورد نیاز نسل‌های آینده را نیز تامین نمایند.

اگر یک کشور را به صورت نظامی واحد بنگریم باید در تک تک روستاها و شهرها نظامی پایدار برقرار گردد تا در مدیریتی یکپارچه به سوی توسعه پایدار گام برداریم.

کشاورزی پایدار یکی از راه‌های دستیابی به توسعه پایدار روستایی است. در کشاورزی پایدار دو اصل کلیدی به حداقل رساندن استفاده از کودهای شیمیایی به خصوص آفت‌کش‌ها و کودها و نگرشی جامع به مزرعه وجود دارد.

در این پژوهش به بررسی یکی از مدل‌های مشارکتی برای توانمندسازی جامعه محلی و بهبود وضعیت کشاورزی پرداخته شده و نقاط قوت و ضعف رهیافت مدرسه در مزرعه مشخص گردید.

تحقیقات نشان می‌دهد که در الگوی مدیریت پایدار و سازگار با محیط‌زیست؛ کشاورزان به عنوان تصمیم‌گیران و تغییردهندگان و تخصیص‌دهندگان و مدیران نظام بهره‌برداری از اهمیت بالایی برخوردارند. در طول کار، کشاورزان برای مدیریت بهتر تمایل به ارتقای مهارت‌های خود می‌یابند و آموزش‌های عملی و غیررسمی طول دوره زراعی کمک می‌کند تا مشکلات و نیازهای واقعی نمایان شود و مهارت‌های خود را از طریق کشف در مزرعه افزایش دهند.

کشاورزی را به عنوان یک فعالیت جمعی و مزارع را به یکدیگر پیوسته می‌یابند که اقدامات یک کشاورز به صورت جداگانه نمی‌تواند نتایج مطلوب را ایجاد کند. بنابراین زمینه مشارکت در جامعه محلی شکل می‌گیرد و در دانش یکدیگر شریک می‌شوند و به تبادل اطلاعات می‌پردازند. این مشارکت زمینه‌ساز برنامه‌ریزی مناسب و مشارکت تمام ذی‌نفعان برای مدیریت پایدار را ایجاد می‌کند تا مدیریت توسط کشاورزان و نه برای کشاورزان صورت گیرد.

اگر مدل "مدرسه در مزرعه" به درستی انجام شود، اعتماد حاصل از آن می‌تواند زمینه‌ساز توانمندسازی جامعه محلی، افزایش ظرفیت سازمانی محلی و مشارکت آگاهانه و فعال مردم را ایجاد نماید. گروهی بودن این فعالیت سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد و با همکاری و کار گروهی میزان همبستگی اجتماعی افزایش می‌یابد. اگر توسعه پایدار را توسعه‌ای بدانیم که باید از منابع درونی خود استفاده نماید، این حرکت، سرمنشا رسیدن به توسعه پایدار خواهد بود.

کلمات کلیدی: توسعه پایدار، توانمندسازی محلی، مشارکت، ذی‌نفعان

مقدمه:

کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ توسعه پایدار را به صورت زیر تعریف نموده است: "توسعه - ای که نیاز انسان امروز را تامین می‌کند، بدون آن که توانایی نسل‌های آینده را در برآورده نمودن نیازهای‌شان به مخاطره افکند."

سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO) توسعه پایدار را این گونه تعریف می‌کند:

"مدیریت و حفاظت از شالوده منابع طبیعی و جهت دادن به تغییرات فن‌آورانه و نهادی است، به نحوی که تحقق نیازهای نسل‌های فعلی و آتی انسان به صورت مستمر تامین و تضمین شود. چنین توسعه‌ای از منابع ژنتیک گیاهی، حیوانی، آب و زمین حفاظت می‌کند، از نظر محیط‌زیستی فرساینده و ویرانگر نیست، از نظر فنی مناسب، از نظر اقتصادی شکوفا و قابل قبول است."

استراتژی توسعه پایدار تهیه شده توسط کمیته ملی توسعه پایدار سازمان حفاظت محیط زیست بر دو هدف عمده و راهبردهای سیاستگذاری زیر برای تحقق این اهداف تاکید می‌کند:

دو هدف عمده عبارتند از:

۱) تقویت ساز و کارهای مشارکتی دستگاه‌های مختلف دولتی که به نحوی بر تنوع‌زیستی کشور اثرگذار هستند.

۲) جلب مشارکت نهادهای غیردولتی، دانشگاه‌ها، انجمن‌ها و موسسه‌های علمی و تخصصی برای محیط‌زیست به طور عام و هر یک از جنبه‌های تنوع‌زیستی به طور خاص و راهبردهای سیاستگذاری عبارتند از:

راهبرد یک: ارتقای آگاهی از تنوع‌زیستی و مشارکت‌های مردمی

راهبرد دو: ایجاد نظام‌های اطلاعاتی و تحقیقاتی تنوع‌زیستی

راهبرد سه: بهره‌برداری پایدار از منابع تنوع‌زیستی

راهبرد چهار: ایجاد مدیریت نظام‌مند برای حفاظت از تنوع‌زیستی

برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی نیاز به تغییر در برنامه‌های کشاورزی، دامپروری و ... است. همچنین بهترین شیوه‌ها برای جلب مشارکت بهره‌برداران را باید مورد توجه قرار دهیم. یکی از این روش‌ها در کشاورزی، طرح "مدرسه در مزرعه" (FFS) که با استفاده از شیوه‌های توانمندسازی و توسعه منابع انسانی (HRD) عمل می‌کند، مطرح است.

این مدل به بهره‌برداران کمک می‌کند که علاوه بر کسب دانش‌های مربوطه، مستقل و با اعتماد به نفس اقدام به تصمیم‌گیری می‌نمایند و حتی فراتر رفته و برای مشکلات با یکدیگر راه‌حل‌هایی می‌یابند. مدرسه در مزرعه به کشاورزان کمک می‌کند که به عنوان کارشناسانی در زمینه کار خود تبدیل شوند. در این روش تمام آموزش‌ها در درون مزرعه و در شرایط مزرعه انجام می‌شود.

کشاورزی پایدار:

در شیوه‌های متعارف ترویج، برقراری یک نظام عمودی برای انتقال اطلاعات طراحی می‌شود و از این رو آگاهی از بازخورد و نظرات روستاییان و نیز جوابگویی به نیازها و نظرات آن‌ها چندان امکان‌پذیر نیست. همچنین ویژگی‌های

بوم‌شناسی و شرایط جغرافیایی، طبیعی و اجتماعی گروه هدف مدنظر قرار نمی‌گیرد و بسیاری از عوامل و سازه‌ها از جمله مشارکت کشاورزان و بهره‌گیری از دانش بومی آن‌ها و کشاورزی پایدار به فراموشی سپرده می‌شود.

در پاسخ به این نگرانی‌ها از دهه ۱۹۷۰ به بعد، متخصصین ترویج کشاورزی به الگوها و رهیافت‌هایی روی آورده‌اند که بیشتر بر مشارکت، قدرت‌بخشی و توسعه منابع انسانی و تسهیل تاکید دارند. این رهیافت که با عنوان کلی رهیافت‌های مشارکتی شناخته می‌شوند، در بیشتر کشورها خصوصا کشورهای در حال توسعه به کار گرفته شده و نتایج مطلوبی از آن حاصل شده است.

یکی از مهم‌ترین رهیافت‌های مشارکتی، مدل مدرسه در مزرعه (FFS) می‌باشد. به دلیل مشارکت کشاورزان در این رهیافت، موجب پذیرش وسیع فناوری‌ها و افزایش توانایی‌های کشاورزان جهت آزمایش و حل مسایل در مزارع خودشان می‌شود.

از دیگر خصوصیات این رهیافت، جهت‌گیری تحقیقات در ارتباط با مسایل، مشکلات و نیازهای مهم کشاورزان است و تجربیات آن‌ها در زمینه دانش بومی مورد بهره‌برداری محققان قرار می‌گیرد که اثرات مثبت اقتصادی و اجتماعی فراوانی برای جامعه روستایی خواهد داشت.

اهداف و سیاست‌های کشاورزی پایدار و تولید محصول سالم:

- ۱) تاکید بر حفظ منابع پایه آب و خاک در کشاورزی
- ۲) توجه به امر تدوین رهیافت‌ها و راهکارهای مناسب آموزش و ترویج به منظور پایدار ساختن در سطح بهره‌برداران و تولیدکنندگان محصولات کشاورزی
- ۳) بررسی تاثیرات تغییر رفتار بهره‌برداران و تولیدکنندگان در توسعه پایدار کشاورزی
- ۴) پرداختن به مزیت‌های نسبی و مزیت‌های رقابتی و رابطه اقتصادی آن با کشاورزی پایدار
- ۵) بررسی آسیب‌شناختی گذار از فاز تولید انبوه به فاز بهره‌وری و پایدارسازی (PPS)
- ۶) پرداختن به موضوع ایجاد امنیت خاطر در مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی
- ۷) رسیدن به راهکارهای مناسب اقتصادی کردن عوامل تولید با تاکید بر کشاورزی ارگانیک
- ۸) پرداختن به موضوع کنترل بهینه نهاده‌های بیرونی تولید از مرحله تولید نهاد تا رفتار استفاده‌کننده نهاد
- ۹) پرداختن به مدیریت تلفیقی آفات و توسعه روش‌های جایگزین IPM
- ۱۰) استفاده از نهاده‌های جایگزین در جهت حفظ منابع پایه (کودهای آلی و ریزمغذی‌ها)
- ۱۱) توجه به توسعه سامانه‌های سنجش کمی و کیفی محصولات کشاورزی
- ۱۲) پرداختن به مباحث اساسی توسعه کشاورزی و ملاحظات محیط‌زیستی (رودخانه‌ها، آب‌ها، مراتع و...)
- ۱۳) افزایش بهره‌وری عوامل و نهاده‌های تولید
- ۱۴) تغذیه متعادل محصولات زراعی

روش‌ها:

رهیافت مدرسه در مزرعه در اصل برای تولید دانش مدیریت تلفیقی آفات (IPM) برای آبیاری مزارع در آسیا طراحی شد.

مدل مدرسه در مزرعه از چهار اصل اساسی حفظ سلامت گیاه، ملاقات هفتگی و در طول یک فصل زراعی گروه کاری، حفظ تنوع گونه‌های مفید در مزرعه و ماهر شدن کشاورزان در مدیریت محصول پیروی می‌کند که عمل به هر یک از آن‌ها الزامی است.

مدل مدرسه در مزرعه از ۱۶-۱۳ نشست هفتگی (به طور میانگین) تشکیل می‌شود. این نشست‌ها حاوی آموزش‌های غیررسمی و اکتشافی برای گروه‌های ۲۰-۲۵ نفری می‌باشد. این آموزش‌های غیررسمی در دو بعد توانمندسازی کشاورزان و تربیت تسهیلگران TOT مورد استفاده قرار می‌گیرد. در طول این نشست‌ها، کشاورزان مهارت‌هایی برای بکارگیری اطلاعات در تصمیم‌گیری به دست می‌آورند. این رهیافت بر بالا بردن ظرفیت افراد و گروه‌های محلی برای تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری جامع و عملی تاکید دارد. در واقع کشاورزان ناخواسته متد ارزیابی مشارکتی سریع روستایی (PRA) را آموخته و در مراحل بعدی در جامعه خود برای حل مشکلات به کار بستند. نتایج این تحقیقات به کشاورزان آموخت:

- ۱) مزارع از نظر اکولوژیکی با هم تفاوت دارند
 - ۲) تصمیم‌گیری برای هر گونه اقدامی در مزرعه باید متناسب با شرایط مزرعه باشد
 - ۳) تمرین راه و روش‌های تصمیم‌گیری مشارکتی
 - ۴) یافتن راه‌حل مشکلات از طریق آموزش در عمل
- تغییرات ایجاد شده در نهایت باعث تغییر رفتار کشاورزان می‌شود و آن‌ها را برای حل مسایل تکنیکی و فنی توانمند می‌سازد. این توانایی امکان استفاده از این مهارت در دیگر مسایل و چالش‌های خارج از مزرعه (اجتماعی و ...) را بوجود می‌آورد.

اصول اساسی مدل مدرسه در مزرعه:

- ۱) بهره‌وری پایدار
- ۲) شناخت کشت‌بوم توسط بهره‌برداران
- ۳) حفظ تعادل اکوسیستمی
- ۴) تبدیل بهره‌برداران به مدیران ماهر مزرعه و توسعه از طریق خودشان

اهداف عمده این رهیافت عبارتند از:

- ۱) پایان دادن به وابستگی به آفت‌کش‌ها به عنوان تنها وسیله کنترل آفات
- ۲) توسعه مهارت‌های آن‌ها در مدیریت تلفیقی آفات و خاتمه بخشیدن به وابستگی آن‌ها به آفت‌کش‌ها به عنوان تنها عامل عمده و انحصاری کنترل آفات
- ۳) بهبود مهارت‌های تحلیل و تصمیم‌گیری کشاورزان و توانمندسازی کشاورزان به اطمینان در تصمیم‌گیری

ویژگی های کلیدی:

کشاورزان همانند متخصصان عمل می کنند. عنصر کلیدی این است که کشاورزان خود، مطالعات مزرعه شان را هدایت می کنند. آموزش آن ها بر اساس مطالعاتی است که خود کشاورزان و نه کارکنان ترویج و تحقیق آن را هدایت می کنند. بدین ترتیب کشاورزان به طور عملی در مورد فعالیت های مزرعه شان صاحب نظر می شوند یعنی خود کارشناس مزرعه شان می شوند.

۱) تمام یادگیری های اولیه در مزرعه کشاورزان صورت می گیرد:

مجموع یادگیری ها در بستر مزرعه است و مزرعه جایی است که کشاورزان می آموزند. کشاورزان با کار کردن در گروه های کوچک، اطلاعات مورد نیاز را در مزرعه جمع آوری کرده و تجزیه و تحلیل می نمایند و سپس با بحث و تبادل نظر با دیگر کشاورزان، تصمیمات شان را ارایه می دهند.

۲) کارکنان ترویج یا گروه های آموزش دهنده نقش تسهیلگری دارند نه آموزشگری:

نقش تسهیلگر در برابر آموزشگر یا معلم عادی بسیار مهم تر و دشوارتر است و در واقع در جلسات به عنوان کمک کننده شرکت می کنند و نه رهبر

۳) برنامه آموزشی تلفیقی و یکپارچه است:

زراعت، باغبانی، جنگل کاری، اقتصاد، اکولوژی و جامعه شناسی و آموزش همگی به صورت جامع در این رهیافت مورد توجه است.

۴) آموزش ها تابع چرخه فصلی محصولات زراعی می باشد:

برای محصولات زراعی سالانه، این چرخه از تهیه بستر زمین تا برداشت محصول ادامه خواهد یافت

۵) نشست های گروهی کشاورزان کاملاً به صورت منظم و توافقی می باشد

۶) پویایی گروه- تشکیل تیم:

این فعالیت مستلزم این است که کشاورزان بتوانند مهارت های رهبری اثربخش را بکار گیرند و از توانایی انتقال یافته های شان به دیگران نیز برخوردار باشند.

نقاط قوت و ضعف رهیافت مدرسه در مزرعه:

نقاط قوت:

- ۱) ارتقا منزلت اجتماعی کشاورزان
- ۲) کاهش هزینه های تولید از طریق کاهش میزان مصرف سموم
- ۳) شناخت دقیق و واقع بینانه مشکلات
- ۴) تقویت قدرت نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل
- ۵) شناخت کشاورزان از حشرات مضر و مفید
- ۶) تمرین و تجربه کار گروهی
- ۷) ایجاد باور در کشاورزان در زمینه توانمندی های شان در حل مشکلات
- ۸) تولید محصولات سالم و بهداشتی

نقاط ضعف:

- ۱) در برخی از مواقع تسهیلاتگران احساس می‌کنند دانش فنی لازم را ندارند و این شرایط منجر به پایین آمدن اعتماد به نفس آنان شده که می‌تواند به فرسایش ماهیت مشارکتی در فعالیت‌ها شود (که شاید بتوان آن را با استفاده از جانشینی کشاورزان آموزش دیده به جای تسهیلاتگران بیرونی در مناطق دیگر حل نمود)
- ۲) بسیاری معتقدند که امکان گسترش و ساماندهی این رهیافت در نقاط دور افتاده بعید به نظر می‌رسد

بحث و نتیجه‌گیری:

انتقال تکنولوژی (TOT) و توسعه منابع انسانی (HRD) دو تفکر عمده در ترویج و آموزش کشاورزی است. انتقال تکنولوژی از بالا به پایین است و در آن کشاورزی پایدار مورد توجه قرار نمی‌گیرد بر خلاف آن، توسعه منابع انسانی از پایین به بالا است و با اهداف کشاورزی پایدار هم‌خوانی دارد. مدارس مدرسه در مزرعه برای توسعه منابع انسانی در طول دوره زراعی طراحی شده است. مدارس مزرعه‌ای کشاورزان با انتقال دانش به کشاورزان سعی می‌نمایند از کشاورزان؛ کارشناسانی با اعتماد به نفس، آزمایش‌گرانی خودآموز و موثر برای دیگر کشاورزان بسازند. این مدارس فرصتی برای یادگیری از طریق عمل مبتنی بر آموزش غیررسمی است. تسهیلاتگران فرآیند یادگیری جمعی و فردی را برای کشاورزان تشویق می‌کنند تا مولفه‌ها و روابط بینابینی نظام زراعتی خویش را شناخته و مهارت‌های مدیریت تلفیقی آفات را از طریق فعالیت‌های خوداکتشافی در مزرعه بهبود بخشند. آموزش همراه با عمل مهم‌ترین ابزار استفاده شده در این رهیافت برای حل مشکلات است. کشاورزان نقش کلیدی در این رهیافت دارند و با معرفی اولویت‌ها و مشکلات، راه‌حل‌هایی برای آنان می‌یابند. از سوی دیگر در این رهیافت یادگیری فعالیت‌های زراعی تنها نیست بلکه این رهیافت باعث توانمندسازی مهارت‌های حرفه‌ای افراد از طریق تعاملات تیمی می‌شود که این خود سبب می‌شود که این دانش‌آموختگان داوطلب آموزش به دیگر کشاورزان می‌شوند و این سبب کاهش هزینه‌های دولتی در راه ترویج می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت:

- بهبود ظرفیت کشاورزان برای تحقیق، نوآوری و تصمیم‌گیری می‌شود
- تشویق کشاورزان به این که تسهیلاتگر فرآیند تحقیق و یادگیری خود باشند
- بهبود مسولیت‌پذیری و پاسخگویی نهادهای تحقیقاتی به نیازهای کشاورزان
- تولید محصولات بدون کود و سم و سالم
- توجه به تولیدکننده از طریق توانمندسازی آن‌ها در اعمال مدیریت تولید در هر منطقه و محصول که باعث افزایش درآمد، کاهش نقش دولت و تولید در جهت کشاورزی پایدار می‌شود

منابع و مأخذ:

- ۱) حیدری، حسین، گزارش پروژه ایجاد مزارع نمونه جهت تولید برنج سالم از طریق کاهش سم در منطقه ازباران، ۱۳۸۶
- ۲) عاشوری، پرشاد، گزارش کارگاه آموزشی شیوه‌های توانمندسازی بهره‌برداران برای بهبود مدیریت مراتع با روش مدرسه در مزرعه، مشهد، ۱۳۸۴
- ۳) انجمن بوم پژوهان، گزارش پروژه "اجرای سند راهبرد آگاهی‌رسانی" در راستای پروژه "بین‌المللی توسعه مناطق تالابی و شبکه‌های پروازی به منظور حفاظت از درنای سیبری و سایر پرندگان مهاجر آبی در آسیا" ۱۳۸۶
- ۴) انجمن توسعه پایدار دشت گرمسار (FASD)، گزارش پروژه "بکارگیری مشارکتی مدیریت تلفیقی تولید و آفات، توانمندسازی جوامع محلی برای کشت بوم‌ها و کاهش آلاینده‌های کشاورزی"، ۱۳۸۱
- ۵) کمیته ملی توسعه پایدار، همایش راهبردهای توسعه پایدار در بخش‌های اجرایی کشور، سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۳۸۲
- ۶) مکنون، رضا، چشم‌انداز توسعه ملی و راهبردهای کلان توسعه پایدار
- ۷) مؤسسه سبزکاران گیلان، سخنرانی آقای سیدجلال موسویان از روستای سوته در اولین سمینار تالاب‌های استان گیلان